

اخلاق بهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

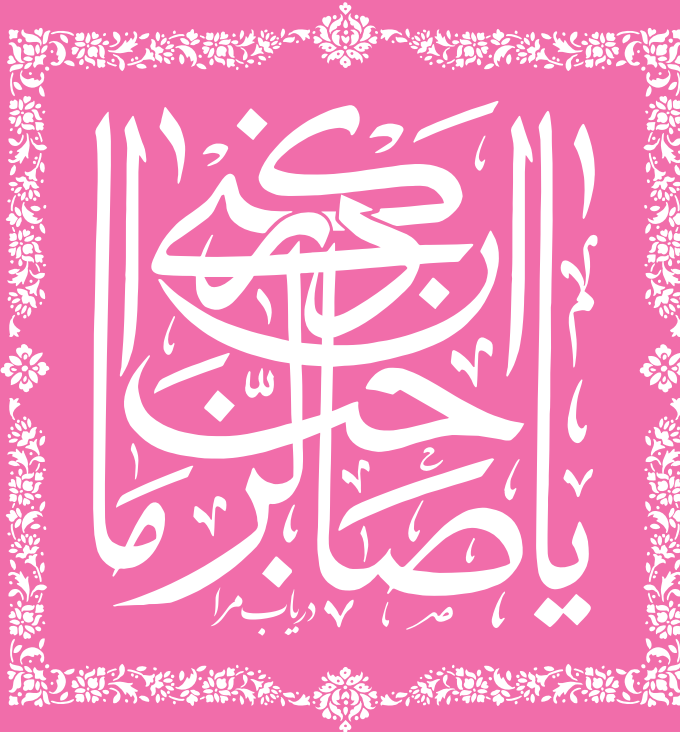
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخلاق بهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

اَلْعِثْمَةُ
اَلْحَبْرُ
اَلْبَرُّ
بَادِمِ بَرِّ



آیت‌الله ناصری رحمته‌الله از استادشان آیت‌الله سید محمد کشمیری رحمته‌الله درخواست می‌کنند تا اسم اعظم را به ایشان بیاموزد. ایشان می‌فرماید: «اگر اسم اعظم را می‌خواهی، از نام مبارک صاحب الزمان غفلت مکن. اسم اعظم، همان جمله یا صاحب الزمانِ اَغْثَنِی، یا صاحب الزمانِ اُذْرِکْنِی است.»

اقل الحلیقه منهنهم

اخلاق پوهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت



در محضر قرآن

گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری رحمة الله علیه

درباره معارف روح‌بخش قرآنی

بنیاد علمی فرهنگی هاد

۱۴۰۲



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

ناصری دولت‌آبادی، محمد، ۱۱۰۶ - ۱۴۰۱
 در محضر قرآن: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه
 درباره معارف روح بخش قرآنی / تحقیق و تدوین سید حبیب حسینی؛
 [برای] بنیاد علمی فرهنگی هاد.
 قم: انتشارات خُلُق وابسته به مؤسسه فرهنگی دارالهدی، ۱۴۰۲.
 ۱۵۰ ص: ۲۱/۵ × ۱۴/۵؛ س.م.
 ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۸۱۶ - ۲۴ - ۱
 ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۸۱۶ - ۳۵ - ۷
 فیبا
 کتابنامه: ص. [۱۴۵] - ۱۴۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصری درباره معارف روح بخش قرآنی.
 قرآن -- بررسی و شناخت
 Qur'an -- Surveys
 تفاسیر (سوره فاتحه)
 تفاسیر (بسم الله الرحمن الرحيم)
 حسینی زانی، سید حبیب، ۱۳۵۵
 بنیاد علمی فرهنگی هاد
 BP۶۵/۴
 ۲۹۷/۱۵
 ۹۳۵۵۲۶۱

سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 شابک دوره
 شابک کتاب
 وضعیت فهرست نویسی
 یادداشت
 عنوان دیگر
 موضوع
 موضوع
 موضوع
 شناسه افزوده
 شناسه افزوده
 رده‌بندی کنگره
 رده‌بندی دیویی
 شماره کتاب‌شناسی ملی

در محضر قرآن

گزیده‌ای از سخنان آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه
 درباره معارف روح بخش قرآنی

تحقیق و تدوین: سید حبیب حسینی

ناشر: انتشارات خُلُق | شمارگان: ۱۰۰۰

مدیر هنری: محمد مهدی حججی

تمام حقوق محفوظ است.



بنیاد علمی فرهنگی هاد

قم، خیابان صفائیه، کوچه ۲۳، پلاک ۸، انتشارات خُلُق

۰۲۵۳۷۷۳۷۴۲۹ - ۰۹۱۲۳۵۱۳۸۷۲

فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۳
ضرورت بهره‌گیری علمی و معنوی از عالمان ربّانی.....	۱۳
مروّری بر زندگی نامه حضرت آیت الله ناصری (ره).....	۱۴
مقدمه.....	۱۷

فصل اول: شناخت قرآن / ۲۱

مقدمه.....	۲۳
یک آیه و سی تفسیر؟!.....	۲۴
أ. قرآن، برترین کتاب آسمانی.....	۲۵
ب. قرآن، جامع همه علوم و اخبار.....	۲۶
ت. حقیقت قرآن.....	۲۷
تنزّل قرآن.....	۲۸
ث. اسامی قرآن.....	۲۸
الف. نور.....	۲۸
ب. پرهان.....	۲۹
ج. فرقان.....	۲۹
د. ذکر.....	۳۰



- ج. آثار تلاوت قرآن ۳۰
- أ. حیات و نشاط دل ۳۰
- داستان فضیل عیاض ۳۱
- ب. قرآن، شفای دردها ۳۲
- قرآن، درمان دردهای ظاهری و باطنی ۳۳
- دستورالعملی برای کنترل چشم ۳۳
- خصوصیات داروخانه قرآنی ۳۳
- ت. نورانیت منزل ۳۵
- ث. برطرف شدن زنگار دل ۳۵
- ج. برطرف شدن مشکلات و نگرانی‌ها ۳۶
- ح. ثواب و پاداش قرائت قرآن ۳۶
- خ. پاداش تعلیم قرآن به فرزندان ۳۸
- د. قرآن، شفیع روز قیامت ۳۹
- شرط شفاعت نمودن قرآن ۳۹
- ماجرای قرآن خواندن در قبر ۴۱
- معنای حاملان قرآن ۴۳
- ذ. قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) ۴۴
- مفسران باطل ۴۶
- قرآن، همتای امام زمان (علیه‌السلام) ۴۷
- قرآن، ثقل اکبر است یا اهل بیت (علیهم‌السلام)؟ ۴۸
- ر. استعاذه و تلاوت قرآن ۴۸
- معنای استعاذه ۴۸
- ضرورت استعاذه در همه امور ۴۹
- استعاذه در هنگام تلاوت قرآن ۵۱
- معنای مستعاذبه ۵۲
- وجه نام‌گذاری اهل بیت (علیهم‌السلام) به «وجه‌الله» ۵۳
- نحوه استعاذه هنگام قرائت قرآن ۵۴

فصل دوم: آشنایی با تاریخ قرآن / ۵۵

۵۷.....	اقوال مختلف دربارهٔ جمع‌آوری قرآن
۵۷.....	جمع‌آوری قرآن در زمان نبی اکرم ﷺ
۵۸.....	روایت اول
۵۹.....	روایت دوم
۵۹.....	روایت سوم
۶۰.....	روایت چهارم
۶۰.....	روایت پنجم
۶۱.....	روایت ششم
۶۱.....	روایت هفتم
۶۲.....	نتیجه
۶۲.....	ماجرای قرآن حضرت علی علیه السلام
۶۵.....	کیفیت نزول قرآن
۶۵.....	اطلاع از قرآن پیش از نزول
۶۶.....	قرآن خواندن امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام تولد
۶۸.....	ماجرای جمع‌آوری قرآن توسط عثمان
۶۹.....	بررسی تحریف قرآن
۶۹.....	انواع تحریف
۷۰.....	ارتباط آیات قرآن
۷۱.....	مخاطب قرآن

فصل سوم: آشنایی با سورهٔ حمد / ۷۳

۷۵.....	نام‌های سورهٔ حمد
۷۵.....	علت برخی از نام‌گذاری‌ها
۷۵.....	۱. علت نام‌گذاری به حمد
۷۵.....	۲. علت نام‌گذاری به فاتحه‌الکتاب
۷۶.....	۳. علت نام‌گذاری به سبع‌المثانی



۴. علت نام‌گذاری به أم القرآن و أم الكتاب ۷۶
۵. علت نام‌گذاری به کافیه ۷۶
۶. علت نام‌گذاری به شافیه ۷۷
- عظمت سوره حمد ۷۷
- أ. سوره حمد، برتر از قرآن ۷۷
- ب. سوره حمد، خلاصه قرآن ۷۸
- ت. سوره حمد، بی‌نظیرترین سوره کتاب‌های آسمانی ۷۹
- ث. سوره حمد، اساس قرآن ۸۰
- ج. سوره حمد و ناله شیطان ۸۱
- ح. سوره حمد، نوری منحصر ۸۱
- آثار و برکات سوره حمد ۸۲
- أ. رابطه سوره حمد و اسم اعظم الهی ۸۲
- ب. سوره حمد، شفای دردها ۸۲
- داستان مرد مارگزیده ۸۳
- ت. سوره حمد و زنده شدن مرده ۸۴
- داستانی از مرحوم آیت الله سید محمد کشمیری رحمته الله علیه ۸۴
- ث. ثواب خواندن سوره حمد ۸۵
- شرط تأثیر سوره حمد ۸۶
- أ. خلوص ۸۶
- داستانی از شیخ حسنعلی اصفهانی رحمته الله علیه ۸۶
- داستانی از مرحوم فیض کاشانی رحمته الله علیه ۸۷
- ب. اعتقاد ۸۸
- کرامتی از امیرالمؤمنین علیه السلام ۸۸

فصل چهارم: در محضر «بسم الله الرحمن الرحيم» / ۸۹

- تاریخچه استعمال «بسم الله» ۹۱
- عدم تکرار در قرآن ۹۱
- جایگاه «بسم الله» سوره ها ۹۲



- ۹۴.....تعداد «بسم‌الله» در قرآن
- ۹۴.....چرا بسم «الله»؟
- ۹۴.....اهمیت و عظمت «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم».
- ۹۵.....الف. نزدیک‌ترین به اسم اعظم.
- ۹۵.....ب. نخستین نوشته‌ی لوح محفوظ.
- ۹۶.....ج. تجلی «بسم‌الله» در بهشت.
- ۹۸.....د. «بسم‌الله» خلاصه قرآن.
- ۹۹.....ه. حضرت علی علیه السلام نقطه باء.
- ۱۰۵.....و. اهمیت «بسم‌الله» در نمازها.
- ۱۰۶.....ز. «بسم‌الله» برتر از ملک سلیمان علیه السلام.
- ۱۰۷.....ثواب گفتن «بسم‌الله».
- ۱۰۸.....بسر ثواب و عقاب‌های فراوان.
- ۱۱۰.....ثواب تعلیم «بسم‌الله».
- ۱۱۲.....ثواب نوشتن «بسم‌الله».
- ۱۱۲.....رسم الخط «بسم‌الله».
- ۱۱۳.....معنای گفتن «بسم‌الله» در ابتدای کارها.
- ۱۱۴.....معنای حروف «بسم‌الله».
- ۱۱۴.....کیفیت قرائت «بسم‌الله».
- ۱۱۵.....مُتَعَلِّق «بسم‌الله» چیست؟
- ۱۱۶.....معنای اسم چیست؟
- ۱۱۶.....اقسام اسماء الهی.
- ۱۱۶.....اسماء حسناى الهی.
- ۱۱۸.....مراد از اسماء حسنی چیست؟
- ۱۱۸.....معنای «اسماء الحسنی».
- ۱۱۹.....مصادیق اسماء الحسنی.
- ۱۲۰.....انسان، کامل‌ترین جلوه الهی.
- ۱۲۲.....معنای «بسم‌الله».

۱۲۲	ریشه کلمه «اسم».....
۱۲۳	رابطه «بسم الله» و اسم اعظم.....
۱۲۳	خاصیت اسم اعظم.....
۱۲۳	نظرات بزرگان درباره اسم اعظم.....
۱۲۶	بافضیلت‌ترین اسم خدا.....
۱۲۶	دلیل اول.....
۱۲۷	دلیل دوم.....
۱۲۸	دلیل سوم.....
۱۲۸	دلیل چهارم.....
۱۲۹	آثار و نتایج گفتن «بسم الله».....
۱۲۹	مقدمه.....
۱۲۹	أ. نتیجه بخش شدن کارها.....
۱۳۰	انواع وجود اشیا.....
۱۳۱	چرا «بالله» نه؟.....
۱۳۲	ب. دور شدن شیطان.....
۱۳۳	ت. دفع ضررها.....
۱۳۴	ث. خاموش شدن آتش جهنم.....
۱۳۵	ج. استجاب دعا.....
۱۳۵	ح. تسکین دردها.....
۱۳۵	خ. محافظت از سرقت.....
۱۳۶	داستانی از معجزات «بسم الله».....
۱۳۷	د. پاک شدن اعضا و جوارح انسان در وضو.....
۱۳۸	ذ. هدایت خاص الهی.....
۱۴۰	معنای «رحمان» و «رحیم».....
۱۴۲	رحمت خدا در قیامت.....
۱۴۵	فهرست منابع.....



امیرمؤمنان علی علیه السلام

جَالِسُ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّدُ عِلْمُكَ وَيَحْسُنُ أَدَبُكَ وَتَزُكُّ نَفْسُكَ^۱

با علما همنشین باش، تا دانشت فزونی یابد، ادب تو نیکو گردد و جانت پاک شود.

پیش‌گفتار

ضرورت بهره‌گیری علمی و معنوی از عالمان ربّانی

در این زمانه که آلودگی‌های فتّاورانه، علاوه بر آلودگی آب و هوا، فطرت‌های پاک را نیز به مخاطره و اضطراب وا داشته، بهره‌گیری از عالمان ربّانی و سیراب شدن از چشمه زلال علم و موعظه آنان، بسی گوارا و حیات‌بخش است؛ عالمانی که با دو بال علم و تقوا، به آسمان معارف راه یافته و از آنجا تحفه‌هایی بی‌مانند به ارمغان آورده‌اند. اما از آنجا که همنشینی با چنین عالمانی - چه از جانب عموم علاقه‌مندان و چه از جانب خود آن عالمان بزرگوار- همیشه مقدور نیست، یکی از راه‌های بهره‌گیری از آن بزرگواران، انس با آثار آنان است. چگونه چنین نباشد و حال آن‌که جان‌های نورانی آنان سبب شده است، قلم و بیان‌شان نیز نور بیفشاند و راه بنماید.

مجموعه پیش‌رو که دربردارنده آثار بیانی و بنانی حضرت آیت الله ناصری رحمته الله علیه



است، در همین راستا، تدوین و ارائه شده تا راهی باشد برای کسب فیض از کلام آن عالم بزرگوار.

مناسب است دفتر را با مروری کوتاه بر زندگی نامه این عالم ربانی آغاز کنیم.

مروری بر زندگی نامه حضرت آیت الله ناصری رحمته الله علیه

عالم خودساخته و عاشق دل‌باخته، حضرت آیت الله ناصری رحمته الله علیه در سال ۱۳۰۹ ش در دولت آباد اصفهان دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بهره‌مند از علم و تقوا و پدرش، حاج شیخ محمدباقر، عالمی زاهد، وارسته و اهل عبادت بود که از محضر عالمانی گران سنگ هم چون آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقایی و حاج آقا رحیم ارباب رحمته الله علیه بهره‌های فراوان علمی و عملی برده بود.

مرحوم حاج شیخ محمدباقر، برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت می‌کند و بدین سان، برای آیت الله ناصری که در آن زمان، چهارده سال داشته، فصلی نو و برگی زرین از دفتر زندگی‌اش رقم می‌خورد. پس از دو سال اقامت در جوار امیرمؤمنان علیه السلام مادر به دیدار حق می‌شتابد و در جوار حرم مولایش آرام می‌گیرد. یک سال پس از رحلت مادر، پدر به ایران باز می‌گردد و فرزند هفده ساله خود را به امیرمؤمنان علیه السلام می‌سپارد. پدر پیش از ترک نجف، از برخی عالمان ربّانی می‌خواهد که فرزندش را از یاد نبرند و در غیاب وی، به تربیتش اهتمام ورزند.

مجاورت حضرت امیر علیه السلام و ارتباط با عالمان وارسته، بهترین زمینه را برای رشد و ترقی معظم له فراهم می‌کند و ایشان نیز از این فرصت و موقعیت، به بهترین شیوه استفاده می‌نماید. برخی اساتید سطوح عالی ایشان عبارتند از آیات عظام: امام خمینی، سید ابوالقاسم خویی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی و میرزا هاشم آملی رحمته الله علیه.

وی در دوران اقامت در نجف اشرف، در اخلاق و معنویت نیز از محضر



عالمانی ربّانی و انسان‌هایی وارسته هم چون آیت الله سید جمال‌الدین گلبایگانی، سید محمد کشمیری، حاج شیخ عباس قوچانی، حاج شیخ محمد کوفی و حاج عبدالزهراء گراوی رحمته‌م‌الله بهره‌های فراوان برد.

حضرت آیت الله ناصری پس از سالیانی توشه‌اندوزی از محضر حضرت امیرمؤمنان علیه‌السلام به امر استاد خود، مرحوم آیت الحقّ سید محمد کشمیری به ایران باز می‌گردد و در دولت‌آباد اصفهان، به تربیت نفوس مستعدّ، تدریس فقه و اصول و تفسیر و نیز اقامه نماز جماعت و پاسخ‌گویی به نیازهای گوناگون مردم می‌پردازد. مجالس وعظ ایشان، در محضر ارباب معرفت و معنویت، سازنده و مؤثر به شمار می‌آمد؛ به‌ویژه این‌که در کلامش عشق به یارِ غایب از نظر، حضرت بقیّة الله الاعظم رحمته‌م‌الله موج می‌زد؛ به‌گونه‌ای که هنگام ذکر و یاد حضرتش، عنان اختیار از کف می‌داد و اشک و آه را چاشنی سفره کلامش می‌کرد.

آیت الله ناصری دل‌داده آن حضرت بود و پیوسته از او می‌گفت. ترجیع‌بند کلام او این بود که: «در هر حال، یا بن الحسن را فراموش نکنید». همچنین «صدقه روزانه برای سلامتی حضرت»، «خواندن نماز امام زمان علیه‌السلام در هر روز» و «دعا کردن برای فرج آن عزیز سفرکرده» از سفارش‌های همیشگی آیت الله رحمته‌م‌الله بود که خود نیز مقید بود به آن‌ها عمل کند.

خدایش در دریای رحمت خویش غرقه فرماید و خلأ او و امثال او در جامعه اسلامی مان را جبران فرماید.

مرکز پژوهشی اخلاق و تربیت اسلامی

وابسته به بنیاد علمی فرهنگی هاد

جعفر ناصری دولت‌آبادی



مقدمه

از روز اولی که حق تعالی انسان را برای رسیدن به سعادت و تکامل آفرید، بر خود لازم دید او را هدایت و از او دستگیری نماید. خداوند متعال، از لطف بیکران خود به یک نوع هدایت اکتفا نکرد و انواع هدایت‌ها را در اختیار بشر قرار داد. بنابراین علاوه بر بهترین بندگان خود که انبیا بودند، اوصیا و جانشینان ایشان، عقل و به نوعی همه هستی را مأمور راهنمایی انسان نمود. او در دل هر چیزی عبرت، پند و آیه‌ای نشاناند تا انسان از آن لحظه به لحظه عبرت بگیرد و به سر منزل مقصود برسد.

از جمله، برای او رهنمودهایی در قالب کتاب‌های آسمانی قرار داد تا همیشه در دسترس و مونس او باشد، از برکات متنوع و متعدد آن استفاده نماید و گام به گام به طرف ساحل آرامش پیش برود.

در میان کتاب‌های آسمانی آنکه مانند خورشیدی گرمابخش و عالم‌تاب رخ می‌نماید، قرآن کریم است. آری، این هدیه گرانبهای الهی که خداوند از لطف و مرحمت خود در اختیار انسان قرار داد تا همیشه همراه، راهنمای راه و درمان دردهای او باشد. قرآن، هدیه عجیبی است که همه گمشده آدمی در آن قرار دارد. اما دریغ که او قدر ندانسته و به اهمیت، عظمت و برکات بی‌مانند آن واقف نیست. از این رو، یار در خانه و او گرد جهان می‌گردد. آب گوارایی که درمان عطش جان بشریت است، در خانه اوست؛ ولی او چه سوزناک، دنبال سراب‌های



دروغین دنیا می‌دود و سیراب نمی‌شود. شفای دردهای ظاهری و باطنی او در دسترس است؛ اما او درمان دردهای خویش را از کسانی طلب می‌کند که چه بسا خود بیمارند!

چه غمناک و تأسف بار است روزی که انسان بفهمد همه گم‌شده او در خانه بوده و عمری دوان‌دوان در کوه و بیابان به دنبال آن می‌گشته است!

آری! قرآن، معجزه بزرگ الهی، سرچشمه نور، منبع و آب حیات، کتاب خدانوشت، خورشید هدایت، انیس شفیق، پاسخگوی همه سؤال‌ها، مجید، کریم و در یک کلام، همه چیز است.

باید قرآن را شناخت، از ظرفیت‌های بی‌مانندش آگاه شد و تا فرصت ازدست نرفته، به دامن آن بازگشت که خود موجب نجات فرد، خانواده و جامعه خواهد شد. کتاب حاضر تلاشی در این راستا است تا با استفاده از بیانات شیوا و دلنشین عالم ربانی حضرت آیت‌الله ناصری رحمته‌الله که خود عمری را در محضر قرآن سپری کرده و از این شراب طهور چشیده، گامی هرچند محدود به سمت شناخت این کیمیاگر هستی برداریم.

کتاب حاضر که با نام در محضر قرآن مزین گردیده، از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل اول، به بیان برخی از اوصاف و فضائل قرآن پرداخته شده است. فصل دوم، بعضی از مباحث تاریخی پیرامون قرآن را بیان شده است. در سومین فصل این کتاب، عظمت و اهمیت مهم‌ترین سوره قرآن، سوره حمد، توضیح داده شده و در فصل آخر، معارفی ناب درباره «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» محضر خوانندگان محترم تقدیم گردیده است.

امیدواریم این مجموعه ارزنده، مورد قبول و تأیید حضرت ولی عصر علیه السلام قرار گرفته باشد و برای خوانندگان محترم مفید باشد.



از همه عزیزان خواهشمندیم هرگونه انتقاد و پیشنهاد درباره این اثر را از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد هاد، به نشانی www.bonyadhad.ir با مرکز پژوهشی اخلاق و تربیت اسلامی بنیاد هاد در میان گذاشته تا در جهت ارتقای هرچه بیشتر آن، یاری‌رسان ما باشند.

با تشکر

اخلاق پوهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت



فصل اول

شناخت قرآن

اخلاق پوهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت



مقدمه

قرآن کلام حق و مدرک حقانیت اسلام است. نبی اکرم ﷺ بیش از هزار و چهارصد معجزه داشته‌اند^۱ که برحسب ظاهر، دو تا از معجزه‌های حضرت ﷺ باقی مانده است و بقیه منقضی شده‌اند؛ یکی شکاف طاق کسری^۲ است که پس از سالیان دراز هنوز باقی است و دیگری هم قرآن است. قرآن، کلام صامت حق است که هرچه می‌خواهی در آن هست. حضرت حق دو نوع کلام دارد: کلام لفظی و کلام نفسی.^۳ قرآن، کلام لفظی حضرت حق و بسیار با عظمت است.

۱. ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۱۵۹.

۲. طاق کسری، ایوان کسری یا ایوان مدائن، مشهورترین بنای بازمانده از دوران ساسانی است که در مدائن و حدود ۴۰ کیلومتری جنوب بغداد، در ساحل شرقی رود دجله قرار دارد. ساخت آن به انوشیروان نسبت داده شده و تاریخ ساخت آن ۵۵۰ میلادی ذکر شده است. طاق کسری، در شب ولادت پیامبر اسلام لرزید و ۱۴ کنگره آن سقوط کرد (ر.ک: شیخ صدوق، أمالی، ص ۲۸۵).

۳. کلام خداوند و کیفیت آن، یکی از مباحث اختلافی بین معتزله و اشاعره در علم کلام است. در قرآن آمده است که خداوند با برخی از انبیا از جمله موسی ﷺ تکلم کرده و همچنین قرآن ناطق است به اینکه کلام خداست. به طور کلی، اشاعره کلام را بر دو قسمت تقسیم می‌کنند: یکی کلام نفسی و دیگری کلام لفظی. آنان برای اثبات کلام نفسی چنین استدلال می‌کنند:

کلام نفسی عبارت از علم، قوه یا صفتی است که به وسیله آن، چه اکتسابی و چه غیر اکتسابی، برای انسان معلوماتی کشف شود. از طرفی در نهاد انسان نیروی دیگری هست که می‌تواند به وسیله آن نیرو در علم خود تصرف کند و علم خود را به صور مختلفی مصور نماید که قابلیت اعلام داشته باشد. انسان می‌تواند به واسطه آن نیرو معلومات خویش را به قلب دیگران القا کند و این را صفت کلام گویند. هر مقدار از آن علم در نفس باشد، کلام نفسی می‌نامند. چنانکه گویی (در دل چیزی گفتیم) و آن مقدار که بالفعل افاده و اعلام را برساند، مانند قول یا کتابت و آن را به دیگری القا کند، کلام لفظی گویند (شیخ عبده، رسالة التوحید، ص ۲۸). از اشاعره در مقام استدلال بر این مدعا، بیاناتی نقل شده که علاقه مندان می‌توانند به ﴿



خدا می‌داند چقدر خیر و برکت در قرآن است.

نظم هر اجتماعی وابسته به یک سری ضوابط و قواعد است. نظم اجتماع بنی‌آدم هم، طبق ضوابط و قواعدی است که حضرت حق در قرآن، کتاب قانون خویش، تعیین کرده است. درباره قرآن چه کسی می‌تواند صحبت کند؟! به غیر از امیرالمؤمنین و فرزندان علیهم‌السلام فرد دیگری حق صحبت در این زمینه را ندارد. حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«هر حرفی از حروف قرآن، هفتاد هزار معنا دارد.»^۱

هر آیه‌ای را که حساب کنید، هفتاد بطن^۲ یا هفتاد طبقه^۳ معنایی دارد. این معنایی که معصوم می‌فرماید، ما نمی‌دانیم برای کدام بطن و طبقه است.

یک آیه و سی تفسیر؟!

یکی از بزرگان می‌فرمود: «ماه رمضان در جلسه تفسیر یکی از اولیای الهی شرکت کردیم. ایشان در ابتدای ماه مبارک گفت: "می‌خواهیم یک آیه از قرآن را تفسیر کنیم." دیدیم آیه را بسیار عالی تفسیر کرد. فردا شب هم همین آیه را یک معنای جدید نمود و به نحو احسن تفسیر کرد. شب سوم، شب چهارم تا شب سی‌ام، هر شب برای آن آیه، تفسیری بسیار عالی و متفاوت مطرح می‌کرد.» این طور تفسیر کردن از کجاست؟ چنین بزرگانی در خانه اهل بیت علیهم‌السلام گدایی کرده‌اند و به ایشان عنایت شده است. آن وقت ببینید اهل بیت علیهم‌السلام که خودشان «عیبه علم الله»^۳ هستند،

۱- کشف المراد، ص ۴۰۱ و شرح باب حادی عشر در ذیل صفت هفتم و پاورقی علم کلام ج ۱، ص ۲۴۲-

۲۴۸ مراجعه نمایند. خواجه نصیر طوسی کلام نفسانی را غیرمعقول دانسته و گفته است: «و عمومیه قدرته تدلّ علی ثبوت الکلام و النفسانی غیرمعقول (فرهنگ علم کلام، ص ۱۹۲).»

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۱۲.

۲. محدث قمی، سفینه البحار، ج ۱، ماده بطن؛ طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۷.

۳. «عیبه» به معنای ظرف است (لسان العرب، ج ۱، ص ۶۳۳). «عیبه علم الله؛ یعنی اهل بیت علیهم‌السلام ظرف علم خداوند هستند.»



چگونه‌اند؟ خدا می‌داند آنان چقدر به علوم و ظاهر و باطن قرآن مسلط هستند.

أ. قرآن، برترین کتاب آسمانی

در قرآن نام چهار کتاب زبور، تورات، انجیل و قرآن آمده‌است. بنابراین کتاب‌های آسمانی همین چهار کتاب هستند. پیامبران دیگر مانند حضرت نوح، ابراهیم، یعقوب و سلیمان علیهم‌السلام دارای صُحُف بودند و کتاب نداشتند. حدود صد و سی و پنج صحیفه از آسمان نازل شده که به آن‌ها «صُحُف» گفته می‌شود. محتوای صُحُف فقط واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات و مباحات بوده که براساس آن احکام عمل می‌کردند؛ ولی کتاب‌های آسمانی، شامل احکام، تاریخ، مواعظ و نصایح است و به دلیل این جامعیت به آن‌ها «کتاب» گفته می‌شود.

در میان این کتاب‌ها هیچ‌کدام به فضیلت قرآن نمی‌رسد. قرآن از هر نظر نسبت به دیگر کتب آسمانی برتر است. در روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که فرمودند:

«فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»^۱

برتری قرآن بر سایر گفتارها، مانند برتری خدا بر خلق خود است.

در روایت دیگری حضرت علیه‌السلام می‌فرماید:

«الْقُرْآنُ أَفْضَلُ كُلِّ شَيْءٍ دُونَ اللَّهِ فَمَنْ وَقَرَ الْقُرْآنَ فَقَدْ وَقَرَ اللَّهَ وَ مَنْ لَمْ يُوقَرَ

الْقُرْآنَ فَقَدْ اسْتَحَفَّ بِحُرْمَةِ اللَّهِ»^۲

قرآن از همه چیز، جز خدا برتر است. پس هر که به قرآن احترام بگذارد،

به خدا احترام گذاشته‌است و هر که به قرآن بی‌احترامی نماید، به خدا

بی‌احترامی نموده‌است.

بین قرآن و بقیه کتاب‌ها، تا این حد فاصله و فرق است!

۱. شعیری، جامع‌الآخبار، ص ۴۰.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹.



ب. قرآن، جامع همه علوم و اخبار

آنچه شما تصور بکنید از هر موضوعی از موضوعات، از هر علمی از علوم و از هر فنی از فنون در قرآن موجود است. قرآن درباره خودش چنین می‌فرماید:

﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْبِيسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۱؛

هیچ تر و خشکی وجود ندارد، مگر اینکه در قرآن ثبت است.

یک معنای «کتاب مبین» خود قرآن است. هرچه بخواهی در قرآن وجود دارد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«فِيهِ خَبْرُكُمْ وَ خَبْرُ مَنْ قَبْلَكُمْ وَ خَبْرُ مَنْ بَعْدَكُمْ وَ خَبْرُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَوْ أَتَاكُمْ مَنْ يَخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَبْتُمْ»^۲؛

اخبار شما و پیشینیان و آیندگان شما و خبرهای آسمان‌ها و زمین در قرآن است. اگر کسی نزد شما آید و از آن‌ها آگاهتان کند، بی‌گمان شگفت‌زده خواهید شد.

در روایتی آمده است که: «هفتاد و هفت هزار شعبه علم در قرآن نهفته شده است»^۳. ممکن است برای ما این سؤال پیش آید که این همه اخبار و اطلاعات، در همین قرآنی است که در نزد ماست؟ در حالی که، همه‌کس کجا می‌تواند قرآن را بفهمد؟ علوم نخستین و آخرین در قرآن است، منتها چه کسی می‌تواند بفهمد؟ آیاتی معجزه‌آسا در قرآن است برای مثال، خواندن بعضی از آیات موجب می‌شود که کسی انسان را نبیند. خواندن بعضی از آیات موجب طی الارض و قرائت بعضی دیگر از آیات موجب طی الهواء می‌شود.

۱. سوره انعام، ۵۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۹.

۳. غزالی تعداد علمی را که در قرآن وجود دارد، هفتاد و هفت هزار و دویست علم می‌داند (غزالی، احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹).



ت. حقیقت قرآن

همه موجودات این عالم و حتی همه رفتارها و صفات ما ملکوت و حقیقت باطنی دارند؛ یعنی علاوه بر جسم و حقیقت ظاهری، یک حقیقت باطنی هم دارند. مرحوم نراقی در اواخر معراج السعادة بیان کرده که: «نماز، روزه و سایر عبادات هر کدام چه صورت برزخی دارند و روایات مفصلی هم، در این زمینه وجود دارد».^۱ قرآن هم همین طور است. اما قرآن یک ظاهری دارد که به صورت کتاب و لفظ است، اما حقیقت قرآن چیست؟

براساس روایات، در روز قیامت که همه از جمله انسان‌ها و جن‌ها جمع می‌شوند و خیلی جا تنگ و مشکل است، می‌بینند فردی به صورت یک جوان بسیار نورانی و زیبا از دور می‌آید که محشر را نورانی کرده و نمی‌شود از او چشم برداشت. می‌گویند: «او چه بزرگواری است؟ آیا ملک مقرب است؟» می‌بینند به صف ملائکه رسید؛ اما داخل صف آنان نایستاد و رد شد. می‌گویند: «نبی مرسل است»؛ به صف انبیا می‌رسد، اما از آنان هم عبور می‌کند. می‌گویند: «از اولیاء الله است»؛ ولی از آنان هم می‌گذرد. معلوم می‌شود مقام او از همه اینان برتر و بالاتر است تا اینکه قائمه عرش الهی را می‌گیرد و به خاک می‌افتد. از طرف حضرت حق به او خطاب می‌شود:

«ارْفَعْ رَأْسَكَ وَ سَلْ تُعْطَ وَ اَشْفَعْ تُشَفَّع»^۲؛

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۹۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۶۵؛ مجلسی،

بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۱۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۹۷.

همه موجودات این عالم و حتی همه رفتارها و صفات ما ملکوت و حقیقت باطنی دارند؛ یعنی علاوه بر جسم و حقیقت ظاهری، یک حقیقت باطنی هم دارند.



سرت را بلند کن و هرچه می‌خواهی بخواه که به تو عطا می‌شود و شفاعت کن که ما شفاعت تو را می‌پذیریم.

آن موجود نورانی قرآن است که بلند می‌شود و سراغ افرادی می‌رود که به او احترام کرده‌اند، آن را خوانده‌اند و یا آن را حفظ کرده‌اند و به آن عمل کرده‌اند و آن‌ها را شفاعت می‌کند. برای قرآن حقیقت و صورت برزخی است که حیات دارد، حرف می‌زند و شفاعت یا شکایت می‌کند. هرچند ما قرآن را به صورت کاغذ و رنگی می‌بینیم، ولی حقیقت قرآن یکی از موجودات زنده مقرب حق و یکی از شفعیای روز قیامت است.

تنزل قرآن

قرآن اصلی آن است که الآن در عرش الهی است و روز قیامت شفاعت می‌کند. این قدر این کلام الهی را تنزل داده‌اند تا به این صورت به دست ما رسیده‌است. این قرآنی که در دست ما است، مرکبی است که جلوه و تنزل یافته قرآن اصلی است که به اعتبار او محترم و بسیار قابل استفاده‌است. اصلاً این تنزل‌ها برای قرآن، حجاب می‌شود. مثل عکسی که از یک نفر می‌گیرند و بعد از آن صد تا کپی می‌گیرند؛ این کپی‌ها خواه یا ناخواه تار می‌شود تا به دست من گنجه‌کار برسد.

ث. اسامی قرآن

درباره قرآن، اسامی و صفات بسیاری در خود قرآن ذکر شده‌است. متجاوز از صد اسم و صفت مانند فرقان، بشری، مجید، کریم، بلاغ، بیان، ذکر، رحمت، هادی و... برای قرآن ذکر شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. نور

قرآن از بس عظمت و بزرگی و جلوه‌های مختلف دارد، اسامی متفاوتی هم برای



او ذکر شده است تا از هر اسمی، به جهت و خصوصیتی از قرآن پی ببریم. یکی از اسم‌های قرآن «نور» است. معنای نور، معلوم است: «الظَاهِرُ فِي نَفْسِهِ وَالْمُظْهَرُ لِغَيْرِهِ»؛ آنچه در ذات خودش ظاهر است و باعث ظاهر شدن غیر خودش نیز می‌شود. هم خودش پیداست و هم اشیای دیگر را نشان می‌دهد.

ب. برهان

یکی دیگر از اسم‌های قرآن «برهان» است. برهان یعنی دلیل قاطع و از اسامی خداوند است. در آیه ۱۷۴ سوره نسا، دو اسم مذکور، یعنی نور و برهان، برای قرآن بیان شده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾^۱؛

ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم.

ج. فرقان

«فرقان» از اسامی قرآن به معنای جداکننده است. ابن عباس درباره علت این نامگذاری می‌گوید:

«چون قرآن با دلایل محکمی که دارد حق را از باطل جدا و قابل تشخیص می‌کند، فرقان نامیده شده است.»

بعضی دیگر هم گفته‌اند:

«به دلیل اینکه قرآن پیروانش را از بدبختی‌ها جدا کرده و نجات می‌دهد، به او فرقان گفته‌اند. همان‌طور که قرآن فرمود: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾^۲؛ اگر پرهیزکار شوید، برای شما فرج و گشایشی خواهد بود.»^۳

۱. سوره نساء، ۱۷۴.

۲. سوره انفال، ۲۹.

۳. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۲۴.



د. ذکر

یکی دیگر از اسامی زیبای قرآن «ذکر» است. قرآن در آیه ۹
سوره حجر فرموده است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾؛

ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع نگهدار آنیم.

درباره علت این نامگذاری وجوهی گفته شده است؛ از جمله
اینکه:

۱. چون این کتاب، خدا و احکام الهی را برای بندگان
یادآوری می‌کند، به آن «ذکر» می‌گویند.

۲. بنابر آیات و روایات، اخبار و علوم نخستین و آخرین
در قرآن ذکر شده است، به آن «ذکر» می‌گویند.

ج. آثار تلاوت قرآن

تلاوت قرآن در شبانه‌روز، آثار مهم و متعددی بر ظاهر و باطن
انسان دارد. در این قسمت به بیان این آثار خواهیم پرداخت:

أ. حیات و نشاط دل

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

«تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ

رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ

أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ»؛^۱

قرآن را بیاموزید
که بهترین
گفتار است و آن را
نیک بفهمید که
بهار دل‌هاست. از
نور آن شفا و بهبودی
خواهید که شفای
سینه‌هاست.

۱. سوره حجر، ۹.

۲. طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۴، ص ۳۱۲.